

جمال شورهچ (فیلمساز)

یدالله صدقی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر) رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ طافی (فیلمساز)

داود میرباقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر) پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی ققیه (بازیگر)

ابراهیم حاتم‌ی‌کیا (فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر) مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)

محمدحسین صفا (فیلمساز)

محمدرضا اسلاملو، یکی از سینماگران و مستندسازهایی است که تجربه زندگی، تحصیل و فعالیت هنری در آمریکا را دارد. او در رشته فیلم و تلویزیون دانشگاه ارتباطات تگزاس درس خوانده و در کارنامه خود، ساخت یک فیلم مستند درباره اسکار و حواشی آن را هم دارد. هر چند دوران کاری حرفه‌ای اسلاملو را آثاری چون *ععبه سیاه ۱۱ سپتامبر*، «شهابی از جنس نور»، «باغ سید» و … تشکیل داده است. موضوع این گفت وگو، بازاریابی تجربیات این فیلم ساز از دوران حضورش در سینمای آمریکاست. اسلاملو برخی از دیدها و شنیده‌های خود در هالیوود را برای اولین بار در این مصاحبه بیان کرده است که به بهانه برگزاری مراسم اسکار، منتشر می‌شود.

✽ بسا توجه به اینکه شما به عنوان یک هنرمند، سال‌ها در آمریکا زندگی و تحصیل کردید و برخی از اهالی هالیوود را هم از نزدیک دیده اید، تعریف و هويت مراسم اسکار از منظر هنرمندان و مردم آمریکا را چه می‌دانید؟

برای شناخت مراسم اسکار، باید نماد این مراسم، یعنی مجسمه اسکار را بشناسیم. مجسمه‌ها و پرچم‌ها، ویترین یا عرضه‌کننده و نشانه یک تکرر یا تمدن هستند. وقتی یک ملت، پرچمی را انتخاب می‌کند، می‌خواهد خودش را از طریق آن بشناساند. این یک حقیقت است و همه، خودآگاه و ناخودآگاه آن را قبول دارند. مجسمه اسکار هم یکی از همین نمادهاست که برای آمریکایی‌ها قداست دارد. اگر دقت کنید می‌بینید که مجسمه اسکار، یک گلدایاتوراست. گلدایاتورها، برده‌هایی بودند که برای سرگرمی پادشاهان و اشراف روم باستان، برده می‌کشیدند؛ برده‌های برده کشت! چیزی شبیه به اسپار تاکوس. اسپار تاکوس یک هم برده کشت بود که به سردار محافظ یک تکرر تبدیل شده است. اسپار تاکوس امروز نمادی برای حفاظت از تمدن روم باستان محسوب می‌شود. به همین دلیل هم این مجسمه قدری برای آنها تقدس دارد که با آب طلا می‌پوشانند و آن را سمبل یک جریان عظیم فرهنگی و هنری قرار می‌دهند. یعنی می‌گویند؛ ما در پشت این هستیم، یعنی مجسمه اسکار. نماد تفکر و جریانی است که با نهایت خشونت و زور جلو می‌رود.

✽ چه کسانی این مجسمه را به وجود آوردند و امروز و با آن راه هدایت می‌کنند؟
حتما یک اتاق فکری وجود داشته که این کار را انتخاب کرده. از جمله آن انتخاب‌کنندگان می‌توانیم بفرهیم که چه ایده افکاری بر آن اتاق فکر حاکم است. معمولا این اتاق فکر را به فراماسون‌ها نسبت می‌دهند. اما کسانی که این اتاق‌های فکر را مدیریت می‌کنند، جریانی هستند موسوم به «ایلموینتایی». آنها کسانی‌اند که به زعم خودشان درحال روشنگری هستند. این فرقه، به نوعی رقیب فراماسونری است. البته رقیابت آنها در یک راستاست، نه در تقابل. شعار آنها این است که «در روشنائی ماست که شمعان نمو آید». تصویر روشنائی بالای دلار نیز، اشاراتی به حاکمیت و سلطه آنها بر جهان است. اگر فراماسون‌ها در سطح دولت‌ها هستند، ایلموینتایی‌ها در سطح جهان و در مراکز تصمیم‌ساز جهانی فعالیت می‌کنند.

فرج‌الله سلحشور را همه با سریال‌هایی چون «مردان آنجلس»(اصحاب کهف) و «یوسف پیامبر(ع)» می‌شناسیم. سریال‌هایی که جزو پر بیننده‌ترین آثار تلویزیونی در داخل و خارج از کشور محسوب می‌شوند. برخلاف برخی فیلمسازها که با رانتهای دولتی و حمایت‌های سفارتخانه‌ها، اتحادیه‌ها و کمیته‌های غربی شهرت جهانی یافته‌اند، سلحشور در میان «تحریم» و مخالفت‌های گسترده داخلی و خارجی توانسته به مخاطب‌ترین فیلمساز ایرانی در سطح جهان بشود. شاید باورش مشکل باشد، اما در برخی از کشورها مثل جمهوری آذربایجان، تاجیکستان، افغانستان و عراق و … سریال «یوسف پیامبر(ع)» در حین پخش، موجب خلوت شدن خیابان‌ها می‌شد.

سلحشور قصد داشت تا شاهکار جدیدی را درباره حضرت موسی(ع) خلق کند، اما جل مهلتش نداد و به دیدار حق نشافت. به همین مناسبت دیدگاه‌های برخی از بزرگان انقلاب و دین را درباره این هنرمند متعهد تقدیم می‌کنیم. رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۷۲۸/۰۱۳۷۰ و در دیدار اعضای مجمع نویسندگان مسلمان، فرموده بودند:

«چند شب پیش از این نمایشنامه‌ای را در این‌جا نمایش دادند - «یوب پیامبر» - که خیلی خیلی خوب بود؛ کار یکی از همین آقایان رفقای شما - آقای سلحشور - بود… در چنین فضای، من نمایشنامه «یوب پیامبر» را واقعا می‌پسندم. این فیلم، یک پیامبر را نشان بدهد، کار آسانی نیست؛ این وقت این آقای سلحشور این قدر شگفت کنی نقش را بازی کرده بود. اول این نمایش این‌طور است که کریویان ملا علی داریزد مدح آن ملال ملگونی و به اصطلاح قالب مثالی ایوب را می‌کنند. اما وقتی نگاه می‌کرد، خیال می‌کرد که ایوب خود ایوب پیامبر آن‌جا ایستاده است. بعد از نمایش گفتیم: من که آخوندم! این همه در زندگی پیامبران مطالعه کرده‌ام، بعد از این نمایش من، معرفت و ارادت، به حضرت ایوب بیشتر شد! و این خاصیت هنر است که دانسته‌های ذهنی را در صورت ملموس در اختیار آدم می‌گذارد. شماها چنین حالتی تجربه‌های غریز و پرمیانه، در اختیارشان هست؛ باید کار کنید، باید زار کار کنید، باید بنویسید، باید قلمه بنویسید، باید نمایشنامه بنویسید، باید اجرا کنید. این، آن کاری است که الان وجود دارد.»

در ۷۷ در دیدار دست اندرکاران مجسمه تلویزیونی «مردان آنجلس» فرموده بودند:

«شاه رمضان بود. فکر کردم برای اینها چه مطلبی را مطرح کند که خوب باشد. به مناسبت حال خودم گفتم که سوره کتیب را برایشان تفسیر می‌کنم. برای این کار، من به



یدالله صدقی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر) رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ طافی (فیلمساز)

داود میرباقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر) پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی ققیه (بازیگر)

ابراهیم حاتم‌ی‌کیا (فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر) مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)

محمدحسین صفا (فیلمساز)

گفت وگو با محمدرضا اسلاملو

خاطرات زندگی در هالیوود

■ آرش فهیم



را از سوی سیستم حاکم بر آمریکا دیدید؟

یک دوره تابستانی با دو تن از استادان سینمای آمریکا با نام‌های «پیتر فوندا» و «فرانک کاپر» داشتم. پیتر فوندا که پسر هنری فوندای معروف است، جزو جوانانی بود که در آن دوران علیه حکومت آمریکا عصیان کرده بودند. چیزی نمانده بود که این عصیان‌ها تبدیل به یک انقلاب شود، اما آن جوانان را هم با انواع یک دوره‌ای هم یکی از تهیه‌کنندگان، بنده از گردونه فیلم‌سازی بیرون انداخته شد. هیچ تهیه‌کننده‌ای با او کار نمی‌کرد. به همین دلیل هم به ساخت فیلم underground (زیر زمینی) رو آورد. با هزار بدبختی پول جور کرد تا یک فیلم بسازد. آن هم کسی که آثار بزرگی در پرودنداش داشت و همه جهان او را تحسین کرده بودند. یادم می‌آید وقتی این فیلم را ساخت، اصلا اجازه ندادند که وارد سیستم شود. منظورم سیستم مونوپل پخش است. معنی اش این است که فیلمساز و هنرمند مستقل در آمریکا باید بروند بمیرد، چه برسد به اینکه بخواهند او فرهنگی همین جریان است.

✽ چه صدق‌هایی از برخورد دست اندرکاران «اسکار» با نگاه‌های مخالف را خودتان از نزدیک مشاهده کردید؟

در دوران تحصیل در آمریکا مایل بودم که با یکی از معلم‌هایم که تهیه‌کننده هم بود همکاری کنم. او به من گفت که اگر می‌خواهی در این سیستم کار کنی ابتدا باید اسم و قامیل خودت را تغییر دهی! این البته امری به حدود ۴۰ سال قبل است. اصلا مسئله دین و اسلام و آنجا تعطیل است. در آنجا، هر چه بی‌دین تر، موفق تر. این فرهنگ غالب هالیوود است. پیام اصلی یا ضمنی ۹۵ درصد فیلم‌ها هالیوودی، تبلیغ و حمایت از سرمایه داری است. ۵ درصد فیلم‌ها ممکن است وجدان محور باشند یا دین را بطور سطحی مطرح کنند.

✽ درباره خود فیلم‌سازان آمریکایی چطور؟ درباره آنها چه نوع برخوردهایی در اسکار ببذیرند!
اصلا اجازه پخش نمی‌دهند. چون بیرون از یونین(اتحادیه‌های مختلف اصناف سینمایی هالیوود) کسی اصلا حق کار کردن ندارد. حتی ساخت فیلم underground (زیر زمینی) در آمریکا، جریمه قانونی دارد. چون نوعی شورش علیه نظام و قانون حاکم محسوب می‌شود.

روایت بزرگان انقلاب و دین از فرج‌الله سلحشور

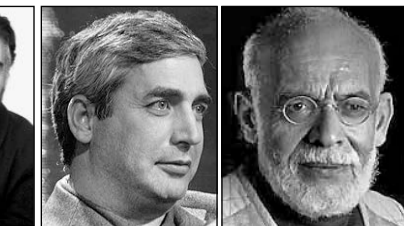
بعد از نمایش تو، ارادت‌م به حضرت ایوب بیشتر شد

■ سعید رضایی



– که جلسه خیلی پرشور و خوبی هم بود- این ماجرا در در شبهای ماه رمضان پشت سر هم بیان می‌کردم. پس از این قضیه هم بارها داستان اصحاب کهف را گفتم‌ام و شنیدم‌ام و خواندم‌ام؛ اما حقیقت قضیه این است که قصه اصحاب کهف را از شما یاد گرفتم! آن شبی که شما آن صحنهٔ بسیار زیبا و قوی و بیچیده و عالی را اجرا کردید، من فهمیدم که «ذ قلمو رتبا رتب السموات و الارض» یعنی چه! آن شب من این را به چشم خود دیدم. شما حقیقتا مدعو به سرال و برجسته در پیشگاه خاندان ماجور هستید. مجموعه سال‌ها ۹۲ نیز در اختتامیه چهارمین جشنواره فیلم عمار از سلحشور تجلیل شد. در این مراسم، آیت‌الله احمد جنتی نیز از جمله شخصیت‌هایی بود که از سلحشور تقدیر کرد.

هنرمندین فروردین امسال نیز آیت‌الله سینستانی از مراجع تقلید شیعه از سلحشور تجلیل کرد. در مراسم اختتامیه نخستین جشنواره فیلم کوتاه «هنج» در کربلا(جنت‌الاسلام کربلایی، نماینده آیت‌الله سینستانی و تولیت آستان مقدس امام حسین(ع) به پاس تلاش‌های چندین ساله در عرصه فیلمسازی مذهبی از فرج‌الله سلحشور تقدیر کرد. آیت‌الله فرح‌الله فرقی مدیر حوزه علمیه امام مهدی(عج) همچنین بیان داشتند که:



tasvirro@kayhan.ir

و حشنتاکی است.

✽ اما سوالی که در اینجا پیش می‌آید این است که چنین جریانی که این همه از سینمای مستقل وحشت دارد، چرا اجازه می‌دهد تا فیلمی مستقل به نام «بچه‌های آسمان» از کشوری مستقل به نام ایران به جمع پنج فیلم برتر اسکار راه یابد؟ چرا به فیلم «جدایی نادر از سیمین» جایزه‌بهترین فیلم را می‌دهند؟

گاهی برای تلطیف خشونت نهان تفکر وحشی سرمایه داری، فیلم‌هایی چون «بچه‌های آسمان» را می‌پذیرند. این را هم در نظر داشته باشید که همین سیستم، یک سال بعد از آن، برای پذیرش فیلم «رنگ خدا» نام این فیلم دوله به اسکار معرفی می‌شوند. به نظر شما نسبت ما با مراسم اسکار چیست؟

چشنی که هر سال با عنوان مراسم اسکار برگزار می‌کنند، صدقاً بارز گوساله سامری است. این مراسم به‌طور کلی، جریان هالیوود، شبیه به یک دستگاه می‌ماند؛ آدم‌ها از ابتدا کاملاً مشخص است. چون این فیلم، حرف آنها را می‌زند. در یک جمله اگر بخواهیم حرف فیلم اصغر فرهادی را خلاصه کنیم این است که این مملکت را بگذارد و به هر قیمتی که شده از آن فرار کن، حتی اگر منجر به تلاشی شدن خانواده‌ای شود! اگر غیراز این است بگویید! فیلم، افراد مستقل و خارج از سیستم فیلم‌سازی رسمی از فکر فیلم ساختن بیرون بیایند. حداقل، در آن زمان که من آنجا بودم، چنین مسائلی جریان داشت. اسکار هم سمبل چنین جریان

و حضرت موسی(ع) برای هدایت آنها به درگاه خاوندن بسیار تضرع و زاری کرد.

آیتالله فرقی افزود: پیش از این، نقش آیات الهی در هنر را می‌خواندیم، اما باور اینکه حقیقت آیات چیست را آقای فرج‌الله سلحشور با اخلاص خود برای ما نمایان کرد.

محمدحسین صفا هرندی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در همان مراسم درباره سلحشور گفته بود: بسیاری افراد را دیدم‌ام که در گذر زمان افکار و عقایدشان تغییر می‌کند، اما در این بین تعداد انگشت‌شماری هستند که با گذشت سال‌ها هیچ تغییری نکرده‌اند و من در این مراسم می‌خواهم به جانب سلحشور بگویم شما اصلا در این سال‌ها تغییر نکرده‌اید.

وی ادامه داد: سلحشور و همراهانش جزو افرادی بودند که تاتار و هنر را به مسجد بردند و اولین تاتار مسجدی را برپا کردند. در این زمینه نیز بودند افرادی که اخلاص و اعتقاد سلحشور به اینکه می‌شود از تریبون سینما و هنر، معارف اسلامی را نشر داد و کار او تجلی یافت.

این استاد اخلاق خاطر نشان کرد: اساس چالودگی هنر در طهارت است؛ در سریال حضرت یوسف(ع) بودند کسانی که به لحاظ ظاهری، صاحب جمال بودند اما آقای سلحشور می‌گفت کسی را پیدا کند، کسی بازی کند که قبل از آن از مجالش در راه فسق و فجور بهره نبرده باشد.

مدیر مدرسه علمیه امام مهدی(عج) با بیان اینکه اعتقاد و اخلاص ایشان باعث می‌شود با اینکه آن شخص برای اولین‌بار نقش با عظمت و مهمی را بر دوش می‌گیرد بتواند از عهده آن برآید، عنوان کرد. آقای سلحشور به دنبال تمرین کردن بازیگر نقش اول سریال نیست بلکه تزییق اخلاص ایشان به جریان فیلم است که نشأت گرفته از اخلاق است. وی ازیو دانست: اگر هنر با اخلاق عجین شود چاودانه می‌ماند؛ «تلقها باخلاق الله». اگرچه آقای شورهچ فرمودند نگاه به ساختار فیزیکی فیلم هم مهم است. اما آقای سلحشور در ساخت سریال حضرت یوسف(ع) معتقد بودند بسیاری از مطالب آن حتی سبک و سیاق ساختمان‌ها به گونه‌ای باشد تا روح تقوا را برساند.



که یک فیلم به تمام معنا «شغال» است را مطرح کردند و از داخل کاخ سفید، همسر رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد که از این فیلم حمایت

می‌کنند. پس می‌بینیم که این یک جریان و یک زنجیره است. شورای روابط خارجی، کنگره، کاخ سفید و … اسکار هم یکی از حلقه‌های این زنجیره را تشکیل می‌دهد، اما خیلی لطیف است! **✽ اما به هر حال این فیلم‌ها توسط دولت به اسکار معرفی می‌شوند. به نظر شما نسبت ما با مراسم اسکار چیست؟**

چشنی که هر سال با عنوان مراسم اسکار برگزار می‌کنند، صدقاً بارز گوساله سامری است. این مراسم به‌طور کلی، جریان هالیوود، شبیه به یک دستگاه می‌ماند؛ آدم‌ها از ابتدا کاملاً مشخص است. چون این فیلم، حرف آنها را می‌زند. در یک جمله اگر بخواهیم حرف فیلم اصغر فرهادی را خلاصه کنیم این است که این مملکت را بگذارد و به هر قیمتی که شده از آن فرار کن، حتی اگر منجر به تلاشی شدن خانواده‌ای شود! اگر غیراز این است بگویید!

فیلم، افراد مستقل و خارج از سیستم فیلم‌سازی رسمی از فکر فیلم ساختن بیرون بیایند. حداقل، در آن زمان که من آنجا بودم، چنین مسائلی جریان داشت. اسکار هم سمبل چنین جریان

و حضرت موسی(ع) برای هدایت آنها به درگاه خاوندن بسیار تضرع و زاری کرد.

آیتالله فرقی افزود: پیش از این، نقش آیات الهی در هنر را می‌خواندیم، اما باور اینکه حقیقت آیات چیست را آقای فرج‌الله سلحشور با اخلاص خود برای ما نمایان کرد.

محمدحسین صفا هرندی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در همان مراسم درباره سلحشور گفته بود: بسیاری افراد را دیدم‌ام که در گذر زمان افکار و عقایدشان تغییر می‌کند، اما در این بین تعداد انگشت‌شماری هستند که با گذشت سال‌ها هیچ تغییری نکرده‌اند و من در این مراسم می‌خواهم به جانب سلحشور بگویم شما اصلا در این سال‌ها تغییر نکرده‌اید.

وی ادامه داد: سلحشور و همراهانش جزو افرادی بودند که تاتار و هنر را به مسجد بردند و اولین تاتار مسجدی را برپا کردند. در این زمینه نیز بودند افرادی که اخلاص و اعتقاد سلحشور به اینکه می‌شود از تریبون سینما و هنر، معارف اسلامی را نشر داد و کار او تجلی یافت.

این استاد اخلاق خاطر نشان کرد: اساس چالودگی هنر در طهارت است؛ در سریال حضرت یوسف(ع) بودند کسانی که به لحاظ ظاهری، صاحب جمال بودند اما آقای سلحشور می‌گفت کسی را پیدا کند، کسی بازی کند که قبل از آن از مجالش در راه فسق و فجور بهره نبرده باشد.

مدیر مدرسه علمیه امام مهدی(عج) با بیان اینکه اعتقاد و اخلاص ایشان باعث می‌شود با اینکه آن شخص برای اولین‌بار نقش با عظمت و مهمی را بر دوش می‌گیرد بتواند از عهده آن برآید، عنوان کرد. آقای سلحشور به دنبال تمرین کردن بازیگر نقش اول سریال نیست بلکه تزییق اخلاص ایشان به جریان فیلم است که نشأت گرفته از اخلاق است. وی ازیو دانست: اگر هنر با اخلاق عجین شود چاودانه می‌ماند؛ «تلقها باخلاق الله». اگرچه آقای شورهچ فرمودند نگاه به ساختار فیزیکی فیلم هم مهم است. اما آقای سلحشور در ساخت سریال حضرت یوسف(ع) معتقد بودند بسیاری از مطالب آن حتی سبک و سیاق ساختمان‌ها به گونه‌ای باشد تا روح تقوا را برساند.

صفحه ۸
دوشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۹۴
۲۱۲۹۳ شماره اول ۱۴۳۷ -



جواد اردکانی (فیلمساز)

ایرانی مخاطب خودش را به آسمان‌ها دعوت می‌کند. درباره سینما هم همین‌طور است. برخی به اشتباه، کلمه هالیوود را به جنگ مقدس ترجمه کرده‌اند، اما هالیوود به معنای چوب‌هایی است که شعبده بازا و جادوگرها دستشان می‌گیرند که به چوب مقدس مشهور است و با الهام از عصای حضرت موسی شکل گرفته. پس هالیوود دکان رمالی و چشم‌بندی در مقابل حقیقت است.

✽ جریانات مترقی و روشنفکر داخل آمریکا نظرشان درباره اسکار چه بود؟

همیشه این گونه آدم‌ها بوده‌اند. به خصوص در دوره پس از جنگ ویتنام. مثل آلکس جونز. اما به این‌ها در یک حدی اجازه خودنمایی می‌دهند. حتی سعی می‌کنند به روش‌هایی آنها را از بین ببرند. بیخود نیست که ادوارد استوندر مجبور می‌شود به روسیه فرار کند. هرچند امروز، دنیای مجازی کمک‌هایی می‌کند و هر از گاهی عصیان‌هایی رخ می‌دهد، اما حاکمان آمریکا با کسی شوخی ندارند. اگر کسی بخواهد با آنها در بیفتد، نابودش می‌کنند. یک نظام به تمام معنا وحشی بر آمریکا حاکم است. تمام مخالفانش را از سر راه بر می‌دارد. برای همین هم افراد مترقی و آگاه سعی می‌کنند خود را به دردرسر نیندازند. خیالتان را راحت کنم؛ از داخل آمریکا هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. اگر قرار است جایی در مقابل آمریکا بایستد، آنجا ایران است.

✽ پس ما چه باید کنیم؟

زیباترین جذابیت، دفاع از حق است. اما هنوز هیچ‌کس در عرصه تصویری، به این جذابیت نپرداخته است. برخلاف اینکه ما ایرانی‌ها در وادی ادبیات به خوبی جذابیت دفاع از حق را برمال کرده ایم و به همین دلیل هم از شرق و غرب عالم در مقابل افزایش این زیبایی ادبیات ما زانو زده‌اند. همان‌طور که امروزه، پرفروش‌ترین کتاب در آمریکا، مولانا است. پس اگر حقیقت عرضه شود، همه زانو می‌زند. اما در عرصه تصویری هنوز رقیب جدی‌ای نخواهد در مقابل زیبایی نفسانی اسکار، زیبایی دفاع از حق را در تصویر و در سینما نمایش دهد نیامده است.

ما هنوز هم پرچم سینمای دینی و قرآنی را ناعفاشته ایم. ابتدا باید به مبانی نظری آن برسیم. اما ما هنوز مبانی نظری سینمای دینی و قرآنی را هم نداریم.

پی نوشت:

۱- برخی نیز ایلموینتایی را زیرمجموعه شبکه فراماسونری می‌دانند. به هر حال، ایلموینتایی‌ها، زرسالاران و کلان سرمایه‌دارهایی هستند که داعیه فرمانروایی بر همه مردم جهان را دارند و از آنها به عنوان «ربابان جهان» یاد می‌شود.بنیانگذاری ایالات متحده آمریکا، پیلدربرگ و شوروی سابق خارج از آمریکا به آنها نسبت داده می‌شود.

۲- البته برخی از نظرها هم نامزدی «بچه‌های آسمان» در اسکار را نوعی چراغ حال، ایلموینتایی‌ها، زرسالاران و کلان سرمایه‌دارهایی هستند که داعیه فرمانروایی بر همه مردم جهان را دارند و از آنها به عنوان «ربابان جهان» یاد می‌شود.بنیانگذاری ایالات متحده آمریکا، پیلدربرگ و شوروی سابق خارج از آمریکا به آنها نسبت داده می‌شود.

۳- البته برخی از نظرها هم نامزدی «بچه‌های آسمان» در اسکار را نوعی چراغ حال، ایلموینتایی‌ها، زرسالاران و کلان سرمایه‌دارهایی هستند که داعیه فرمانروایی بر همه مردم جهان را دارند و از آنها به عنوان «ربابان جهان» یاد می‌شود.بنیانگذاری ایالات متحده آمریکا، پیلدربرگ و شوروی سابق خارج از آمریکا به آنها نسبت داده می‌شود.



دومین فیلم سینمایی «صادق صادق دقیقی» یک اثر مهم و قابل توجه است؛ موضوع جدید و ناگفته‌ای به تصویر کشیده شده که بخشی ناشناخته از تاریخ جنگ تحمیلی هشت ساله ما را بازنمایی می‌کند. موضوع یک فیلم، دربارهٔ ۲۸۰۰ روز جنگ در جزیره خارک و ۲۸۴۰ سلسلور هنر را به مسجد برد و امروز ایشان با فانیتهای دامنه دهنده(رشت) مسجد را وارد هنر کرده است و بدین گونه این ضوع مجمع تشخیص مصلحت نظام در این سال‌ها تغییر نکرده‌اید.

اثر ملی هم محسوب می‌شود. اما آنچه سبب شده تا فیلم «تا آمدن احمد» یک قدم از تبدیل شدن به شاهکاری در سینمای دفاع مقدس عقب بماند، کم‌رقم شدن فیلمنامه در مبانه فیلم است. پس از یک شروع بویا و بر تکرر، ناگهان، فیلم از نفس می‌افتد، چون فضای فیلمنامه به پیچ و خم‌های این انتقال در آمریکا افتاده بود، هالیوود چندین فیلم را جمع به آن می‌ساخت و سیا و ناساگون هم از آن فیلم‌ها حمایت می‌کردند تا به همه جهان نشان دهند که جقدر مظلوم هستند!

اما مضمون کلی فیلم فراتر از این محدوده زمانی و مکانی بوده و راوی مقاومت و صلح‌طلبی مردم ایران در دنیای پرخروش امروز جهان است. مقاومتی سرشار از -با بازی پرهام دلدار- وابسته است. احتمال فاش شدن معما، در نقدها و نگاه‌های رسانه‌ای، این گونه فیلم‌ها را شدیداً تهدید می‌کند. فقط کافی است که در نوشته‌های ما، اهمیت دیگر فیلم، کارگردانی خوب اثر است که توانسته برخی از ضعف‌های فیلمنامه را بپوشاند و مخاطب را پای تماشای آن نگه دارد. جمله‌های ویژه فیلم، چشمگیر هستند و با اینکه به وسیله رایانه بازسازی شده‌اند اما قابل باور و نزدیک به واقعیت هستند. فیلم از دکوپاژ و میزانشن‌های خوش پرداختی برخوردار است که نتیجه آن خلق صحنه‌هایی زیباست. مهدی ققیه و افسر اسدی، از جمله بهترین بازی‌های کارنامه هنر خود را به نمایش درآوردند. و دیگر اینکه فیلم، بخشی از فرهنگ